



۲۰۲۱/۰۱/۰۳



حامد نوید / تاریخ، بخش: آبدات تاریخی

معرفی «معبد نوبهار بلخ» در قاموس بکیر افغانستان

قاموس بکیر افغانستان در کنار ارائه بسی مطالب مهم اجتماعی و معلومات در باره آثار و ابنیه تاریخی، به معرفی آبدات تاریخی نیز می پردازد. از آن جمله به شناختن معابد، قلعه ها، منار ها، پل ها، مساجد و محلات تاریخی و غیره. در این سلسله در ذیل به شناسایی معبد نوبهار بلخ پرداخته میشود.

نا بر مطالعات و شواهد تاریخی معبد نوبهار بلخ یکی از بزرگترین نیایشگاه های کهن در شمال افغانستان و حتی منطقه بوده و در مورد آن پرسش های زیادی موجود است. عده ای آنرا عبادتگاهی مربوط به آئین زردشتی خوانده اند و گروهی این نیایشگاه بزرگ را بنا بر اسناد داشته یک معبد بودایی دانسته اند. نظر به یادداشتهای هوانتسانگ واقعه نگار و زائر چینی در مورد معبد نوا و بهاره Nava Vihara یا نوبهار، دو برادر بلخی بنامهای ته پوسو و بلهیکا از نخستین حواریون بودا بودند که وی هشت هفته بعد از رسیدن به روشنایی و دریافت حقیقت، هشت تار موی خود را به آنان هدیه داد. ایندو برادر بلخی که در نیم قاره هند بغرض تجارت رفت و آمد داشتند، پس از حلف وفاداری به بودا هشت تار موی او را به بلخ آوردند و بلهیکا برادر بزرگتر ستوپه ای را برای بزرگداشت او در بلخ بنا نمود. این واقعه بنا بر اسناد آئین بودایی (متن کهن سروسستی ودا Sarvastivada) باید در حوالی سال ۵۳۷ پیش از میلاد رخ داده باشد که با گفته هوانتسانگ مطابقت دارد و این نیایشگاه همانا معبد نوبهار بلخ است. با اتکا به یادداشتهای تاریخی و یافته های باستان شناسان بلخ کهن نخستین گهواره و پرورشگاه سبک هنر بودایی هلنستیک در منطقه بوده است. چنین گمان میرود که ستوپه نخستین در جریان لشکر کشیهای اسکندر مقدونی در قرن چهارم پیش از میلاد صدمات شدیدی دیده، ولی در عصر کوشانی مرمت دوباره شده. به اساس اسناد زائران چینی، بخصوص هوانتسانگ که در قرن هفتم میلادی به افغانستان سفر نموده بود، نوبهار بلخ هنوز آباد و معبدی پر از نقش و نگار و اصنام بود و بیش از ۳۵۰ اتاق و حجره برای راهبش و آموزش راهبان داشت. بر فراز این معبد رفیع پرچم های بلندی افراشته بودند که زائران را از دور دستها بخود معطوف میکرد. این سخن را یاقوت حموی مؤرخ معروف ادوار اسلامی نویسنده «معجم البلدان» نیز تائید نموده و گفته است که بیرقهای سبزرنگ نوبهار بلخ حتی از ترمز نیز مشهود بود.

ناوا و بهارا متشکل از دو کلمه، «ناوا» به معنی نو و «بهاره» به معنی ورودگاه، جایگاه و خانه اصنام است. کلمه "و بهار" در زبان سانسکریت و همچنان متون اوستایی ذکر یافته و اصطلاحیست باستانی، ولی در عصر کوشانی بیشتر به معنای عبادتگاه و صومعه استعمال میگردد. اصطلاح نوبهار در ادبیات دری نیز تجلی گسترده داشته و شاعران بزرگ متقدم مانند عنصری، فرخی و ارزق هروی شاعر دوره سلجوقیان در وصف آن ابیاتی دارند، این معبد درب ورودی بزرگی بنام نوشاد داشت که از شکوه مندی خاصی برخوردار بود. چنانچه فرخی شاعر دربار غزنه در وصف این جایگاه چنین گفته است:

مرحبا ای بلخ بامی همزه باد بهار

از در نوشاد رفتی یا زباغ نوبهار

ای خوشا آن نوبهار خرم نوشاد بلخ

خاصه اکنون کز در بلخ اندرون آمد بهار

عده ای از زبانشناسان عقیده دارند از آنجاییکه کلمه و بهارا به معنی ورودگاه یا درب ورودی در زبان اوستایی کهن قدامت بیشتر از عصر بودایی دارد و چون فصل بهار باب نخستین یا ورودگاه یک سال خورشیدیست، این امکان وجود دارد که واژه بهار در زبان فارسی دری از کلمه و بهار در زبان باختری باستان ریشه یافته باشد. زیرا سرودهای گاتها The Gathas یعنی کهنترین بخش اوستا بحواله زبان شناسان قرابتی با رازی با سروده های ریگویدا دارد. اکثر تاریخنگاران بدین امر متفق القول اند که عقاید اوستایی نخست از بخدی در حوالی (۱۰۰۰ تا ۷۰۰ ق.م.) نشأت نموده و سپس به سرزمینهای دیگر پخش گردیده است. رابرت بیکس Robert Beekes پروفسور زبانشناسی یونیورسیتی لایدن هالند که تحقیقات گسترده ای در مورد سرودهای گاتها نموده خاستگاه زبان اوستایی را بلخ کهن میداند. همچنین پروفسور هیولمت هیومباخ Helmut Humbach استاد زبانشناسی در یونیورسیتی گوتنبرگ آلمان زبان هندوآریایی باختری را زبان نخستین اوستا خوانده که در طی سده ها بسوی غرب رفته است. ازینرو در تیسفون تفسیری بر سرودهای گاتها نوشته شد که آنرا زند و پازند خوانند. از آنجاییکه درک معانی سرودهای گاتها بزبان باختری باستان پس از گذشت سده ها به آسانی میسر نبود زند اوستا بگونه تفسیری بر سرودهای گاتها نگاشته شد. برخی از زبانشناسان اصطلاح پازند را تفسیری بر زند میخوانند چنانچه ناصر خسرو قبادیانی بلخی گوید:

ای خواننده کتاب زند و پازند زین خواندن زند تا کی و چند؟

دل پر ز فضول و زند بر لب زردشت چنین نیش در زند؟

به اساس تحقیق باستانشناسان سرودهای گاتها بزبان باختری کهن درهنگام زندگی «زراشترا سپیتما» در زیراسپه یعنی بلخ نگارش یافته و این سروده ها ازبخدی (بلخ) و سغدیانه تا اراکوزیا (کندهار) و درنگیانه (زرنج) مروج، و از آریا (هرات) تا به خوارزم در ترکمنستان امروزی و سپس به فارس گسترش یافت. نظریه مندرجات پشت اوستا زیری ویری (Zairi-Vairi) برادر گشتاسپ که درشاهنامه بنام زریر آمده و پشتوانو (Pešōtanū) بردار اسپاندا تان Spanda-datan (اسفندیار) در گسترش آئین اوستایی درسرزمین های جنوب باختر کوشا شدند. عده از تاریخنگاران به این باورند که افکار و عنعات مشابهی از کوه هره برزه تی بخدی تا دامنه های کوه سپین غر از دوره اوستایی موجود بوده که باعث جمع آوری گنجینه های زرین آکسوس و میرزکه گردیده است. بنا بر مندرجات کتاب اوستا (پشت فروردین)، در آریانا ویجه یا سززمین مقدس اوستا که آهورا آنرا از گزند اهریمن ایمن گردانیده سه اصل هومنه (پندار نیک)، هوخته (گفتار نیک) و هو ورشنه (کردار نیک) معیارهای پذیرفته شده اجتماعی بود و باید برای بزرگداشت آن با افروختن آتش مقدس نیایشگاه های برا افزاشته میشد. بنا بر این تفسیر، ممکن است نیایشگاه نوبهار در نخست یک معبد زردشتی بوده و سپس به گمان اغلب در عهد کوشانی ها به معبد بودایی مبدل گردیده است. زیرا در هنگام فرمانروایی گشتاسپ شاه بلخ و بازماندگانش معابد و آتشکده های زیادی بنا یافت. پیروان زردشت برای رسیدن به آهورا مزدا بنا های را بنام آتشکده ها ایجاد میکردند و بنا بر رسوم آنعصر افروختن آتش با مراسم خاصی برپا میشد که هرکدام نامی داشت. مانند آتش وراهام یا بهرام برای جنگجویان و آتش بررزین مهر (برای کشاورزان) که گشتاسپ آنرا برافروخت و از قفقاز به آتشکده روشن به کابلستان آورد. آتشکده نوشاک بامیک بلخ بامی (به گمان اغلب آتشکده نوبهار) را اسپانداتان تهم یا (اسفندیار تهمتن) پسر جاماسپ و نواده دختری زردشت بنا کرد. برادر ویشناسپ زیر ویری درپخش کیش اوستایی کوشید، پسرش Bastai-wiri باسنای ویری با اعمار شهر بست این آئین را در وادی هیلمند و سیستان گسترش داد که هنوز این جایگاه تاریخی بنام قلعه بست یاد میگردد. بهمینگونه هومن سپنداتان پسر سپنداتان اول با همسرش همای که مادر داراب کابلی بود از جمله فرمانروایانی اند که نظر به مندرجات اوستایی درپخش این آئین کوشیده اند.

بنا برآن برخی از تاریخنگاران معتقد اند که معبد بودایی نوبهار درجایگاهی بنا یافت که در عهد کی شاهان بلخ نیایشگاه زردشتیان بوده و این بنا ی کهن بعدها به معبد بودایی نوبهار مبدل گشته است، چنانچه دقیقی گوید:

چوگشتاسپ را داد لهراسپ تخت
 فرود آمد از تخت و بر بست رخت
 ببلخ گزین شد بران نوبهار
 که یزدان پرستان بدان روزگار
 مر آن جای را داشتندی چنان
 که مر مکه را تازیان این زمان

در تاریخ لشکر کشی های امویان در شمال افغانستان ذکر یافته که معبد نوبهار توسط قیس بن هیثم سلمی سرلشکر قوای اموی در تخارستان و بلخ ویران گردید، اما از قراین چنین بر می آید که این ویرانی قسمی بوده و این جایگاه باستانی بطور کامل از بین نرفته بوده، ورنه شاعران دوره سامانی و غزنوی در وصف آن شعری نمی سرودند. از جانب دیگر درتاریخ طبری اثرمحمدبن جریر طبری آمده که المنصور خلیفه عباسی فضل برمکی پسر یحیی برمکی را والی خراسان ساخت و فضل درقسمتی از باغ بزرگ نوبهارمسجدی اعمار کرد. این واقعه باید در حوالی ۷۹۴ میلادی اتفاق افتاده باشد.

برمکیان ازدودمانهای قدیمی بلخ، اولاده برمک و از متولیان و اولیای معبد بودایی نوبهار بودند. خالد بن برمک در اواخر قرن دوم هجری به دین اسلام رو آورد و بخاطر دانش و فضیلتی که داشت خود والاده اش به مقامهای ارشدی در دربارخلفای عباسی رسیدند. یحیی فرزند خالد برمکی وپسران او جعفر بن یحیی، فضل بن یحیی، موسی بن یحیی و محمد بن یحیی نسبت کارادنی و درایتی که در پیشبرد امور فرهنگی واداری داشتند به مقام های بزرگی در زمان خلافت هارون الرشید رسیدند. در اثر کوشش این خانواده ادب پرور کتاب های علمی زیادی از سراسر خلافت وسیع عباسیان و همچنان از منابع هندی و یونانی بزبان عربی ترجمه شد که بر ثقافت و رشد فرهنگی جهان اسلام افزود و شهر بغداد را رونق بیشتر علمی بخشید. لیکن هارون الرشید از محبوبیت و اقتدار روز افزون برمکیان بلخ در هراس بود و دنبال بهانه ای میگشت تا این خانواده مقتدر غیر عرب یا عجمی را از سر راه خود بردارد. هر چند عباسه خواهر هارون الرشید که سخت دلباخته جعفر برمکی بود در عقد نکاح جعفر در آمد، اما از نگاه خلیفه باید این ازدواج تنها یک ازدواج شکلی میبود. ازینرو وقتی دانست الفتی میان عباسه و جعفر برخلاف شرط این ازدواج پیدا شده امر به گردن زدن جعفر داد و سپس تمام اعضای خانواده برمکیان را از دم تیغ کشید و دار و ندار شانرا به آتش زد. داستان عروج برمکیان و قتل عام آنها به امر هارون الرشید یکی از تراژیدی های تاریخ است که شرح بیشتر آن مربوط این بحث نمیگردد.

با آنکه برای تعیین موقعیت دقیق معبد نوبهار درمیان دشتهای پر از ویرانه های باستانی بلخ هنوز تحقیقاتی بصورت دقیق انجام نیافته، اما چندین جا بگونه احتمالی از طرف باستان شناسان ولایت بلخ شناسایی گردیده است. در رابطه با تعیین موقعیت معبد نوبهار، اهالی بلخ و برخی از مردمان صاحب نظر این ولایت باستانی معتقد اند که ویرانه کنار شاهراه عمومی از بقایای معبد نوبهار است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

هرچند کاوشهای باستان‌شناسی درین تپه‌ خاکی بصورت علمی آغاز نیافته ، اما از خشتکاری دهانه‌ رواقها پیداست که این ساختمان ویران شده باید بنای کهنی باشد .

درسال ۱۸۸۶ جوهان مارتین هونیگرگر **Honigberger** محقق برتانیوی به همراهی چارلس بیت **Charles Yate** افسر انگلیس از ویرانه‌ های بلخ ، چشمه‌ صفا در دامنه‌ های کوه البرز در جنوب بلخ و تخت رستم در ولایت سمنگان سکیچ‌ های برای تعیین موقعیت معبد نوبهار برداشتند ، ولی به نتیجه‌ نهایی نرسیدند. دلایلیکه هونیگرگر ، محقق برتانیوی از چندین محل برای تعیین موقعیت «ناوا وپهارا» نقشه‌ های برداشت بنا بر یادداشت‌های هونتسانگ واقعه‌ نگار چینی بود. زیرا وی از چند « ناوا وپهارا » در سفر نامه‌ خود یاد آورده، یکی در شمال غرب بلخ بر فراز ستوپه‌ ای با ارتفاع ۲۰۰ متر و صومعه‌ ای با باغ زیبا که در آنجا مردمان شیفته‌ دانش و راهبان برای فراگیری تعالیم آئین بودایی شعبه‌ مه‌ایانا و علوم عقلی از جمله طبابت، ریاضیات و علم نجوم مصروف تحصیل بودند. درین نیایشگاه پیکره بزرگ بودا قرار داشت که با جواهرات و احجار قیمتی تزیین یافته بود و در کنارش مجسمه‌ محافظ معبد قرار داشت. هونتسانگ همچنان از وپهارای دیگری در نواحی جنوب غرب بلخ یاد آورده که در آنجا تنها راهبان بسیار دانشمند در تفسیر قوانین آیین بودایی و علوم عقلی آموزش می‌ یافته‌ اند. در تخت رستم بنا بر اسناد کیش بودایی، قوانین تراویدا (قوانین سنتی) به اساس مذهب هینایانا تدریس میگردید که مقررات سختگیرانه داشت و ازینرو پیکره‌ های بودا و مقدسین در آن دیده‌ نشود. هونتسانگ همچنان از معبد بسیار باستانی دیگری در داخل محوطه‌ شهر بلخ صحبت میکند که توسط شاه‌ی درازمنه‌ باستان اعمار گردیده‌ است. شاید این نیایشگاه بودایی همان ناوا وپهار یا نوبهاری باشد که بر فراز آتشدکه‌ کهن عصر اوستایی در عهد اقتدار کوشانی بنا یافته‌ است. به اساس یادداشت واقعه‌ نگار دیگر چینیایی یژینگ **Yijing** که در سال ۶۸۰ میلادی از بلخ دیدن نمود هنوز معبد نوبهار یا برجا بود و خاندان برمکی بلخ متصدیان با نفوذ معبد نوبهار بودند. چنانچه شاهان چین و فرمانرویان هند وقتی به نیایشگاه «ناوا وپهارا» می‌ آمدند به دودمان متنفذ برمکی حرمت زیادی بجا می‌ آوردند.

در عهد خلافت حضرت عثمان (رض) و متعاقب آن حضرت علی (رض) پیروان مذاهب دیگر که در برابر دین اسلام به مبارزه بر نمی‌ خاستند مجاز بودند تا مراسم مذهبی خود را ادا نمایند و معابدشان به اساس قوانین شرع بجا بماند. اما با رویکار آمدن خلفای اموی قوانین سختگیرانه‌ تری در برابر پیروان مذاهب دیگر وضع شد و همان بود که معبد نوبهار قسماً ویران گردید. این عمل نیزک ترخان **Naizak Tarkhan** یکی از شهزادگان دودمان کابل شاهان را بخشم آورد و در طی حمله‌ ای بلخ را از اقتدار امویان بدر آورد. لیکن قطیبه در جنگ مهلکی بلخ را دوباره تسخیر کرد و اینبار خسارات بیشتری به ابنیه‌ باستانی بلخ از جمله نوبهار وارد شد. عده‌ ای از راهبان بودایی به ختن فرار کردند و عده‌ از راه کوهستانها خود را به کابل رساندند و سپس به کشمیر پناهنده شدند، ولی بزرگان خاندان برمکی با درایتی که داشتند با قطیبه کنار آمدند و موجودیت خود را تا دوره‌ عباسیان در بلخ حفظ کردند تا اینکه خالد برمکی به اسلام رو آورد و تداوم آئین بودایی در بلخ به پایان رسید.

ابن فقیه مؤلف البلدان بزبان عربی در شرح ساختمان معبد نوبهار نگاشته‌ که این نیایشگاه بنا ی بزرگیست بشکل مکعب که روی آنرا با روپوشی از پارچه‌ های گرانبها پوشانیده‌ اند. چنانچه از مطالعه‌ آثار تاریخی ادوار اسلامی مانند یادداشت‌های البیرونی بر می‌ آید نیایشگاه نوبهار بلخ تا عصر سلطنت غزنویان و غوریان ، یعنی سده‌ های یازدهم و دوازدهم میلادی ، با وصف ویرانی‌ های قسمی دوره‌ خلافت امویان هنوز پا برجا بوده‌ است ، و لی در آغاز قرن سیزدهم هنگامیکه چنگیز در سال ۱۲۲۲ میلادی به تعقیب جلال الدین خوارزمشاه وارد بلخ گردید معبد نوبهار مانند صداها ابنیه‌ تاریخی دیگر بلخ با خاک یکسان شد .گویند چنگیز به دنبال گنجینه‌ های گمشده‌ اش که جلال الدین خوارزمشاه و دخترش حنا خاتون با خود از خوارزم به خراسان آورده بودند، دیوانه‌ وار معبد نوبهار را منهدم نمود تا در زیر زمینی‌ های آن گنجینه‌ گمشده‌ اش را بیابد. تموچین چنگیز از صحرای گوبی واقع در مغلستان بسوی بلاد اسلامی لشکر گشود، اما قبل از لشکر کشی هیأتی را با هدایای فراوان به شهر اورگنج به دربار محمد خوارزمشاه فرستاد، و از او خواستار دوستی و برقراری روابط تجارتي با کشور های اسلامی گردید. لیکن محمد خوارزمشاه که مردم بادیه‌ نشین صحرای گوبی را به دیده‌ تحقیر میدید این خواسته‌ چنگیز را با شدت رد کرد. سفیر چنگیز اهانان او را نپذیرفت و از سلطان خوارزم طالب پوزش گردید. محمد خوارزمشاه به غیض آمد و امر نمود تا تمام اعضای هیأت اعزامی چنگیز را نخست در حمامی شکنجه دهند و سپس سر بزنند. بقول ننسی دوپری تاریخنگار مشهور امریکایی که تا دم مرگ در راه حفظ میراث های فرهنگی افغانستان سعی ورزید ، تنها پسر ۱۲ ساله‌ ای از حادثه‌ جان سالم بدر برد و خبر آن واقعه‌ تکان دهنده و خونین را به چنگیز رساند. همان بود که چنگیز سوگند یاد کرد که انتقام سختی از محمد خوارزمشاه خواهد گرفت؛ و در نتیجه بلاد اسلامی را از کاشغر و ختن تا بغداد گشود. جزئیات حمله‌ چنگیز بر ماوراء النهر ، خراسان ، عراق عجم و فارس خارج از حوصله‌ این بحث است، اما آنچه مطالعه‌ آبدات تاریخی افغانستان را دلچسپ میسازد ، شرح حوادثی میباشد که در مورد هر بنای تاریخی مانند معبد نوبهار وجود دارد ، و این امر بیانگر غنای فرهنگی این سرزمین باستانیست. زیرا درین رابطه هر سرگذشتی از قرن‌ها بدینسو چون افسانه‌ خاطره انگیزی در ذهن جامعه بجا مانده‌ است .

مختصری از منابع این بررسی:

تاریخ مختصر افغانستان پوهاند عبدالحی حبیبی سال نشر ۱۹۸۴ ،

تاریخ افغانستان ، استاد احمد علی کهزاد ، تاریخ افغانستان جلد دوم ،

تاریخ آریانا از آغاز سلطنت مستقل یونان باختری تا ظهور اسلام سال ۱۳۲۵ خورشیدی

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

Nancy H. Dupree An Historical Guide to Afghanistan, printed in Kabul 1977

Historical Sketch of Buddhism and Islam in Afghanistan by Alexander Berzin, November 2001, revised December 2006

Dr. Helmut Humbach , The Heritage of Zarathustra, A new translation of his Gathas

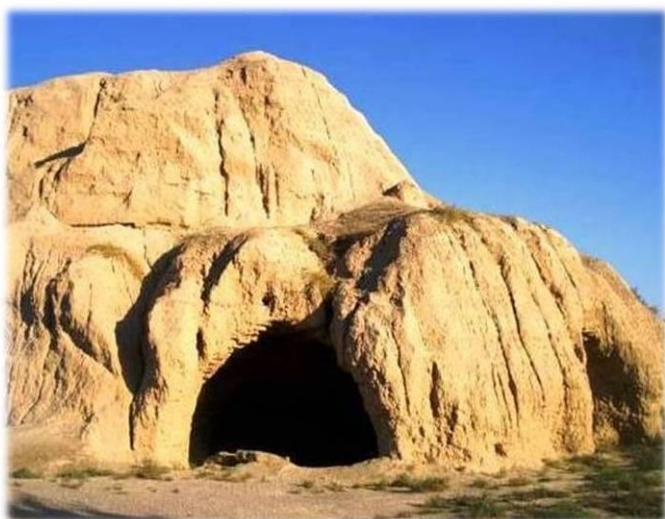
Published January 10th 1994 by Universidad Sverlag Winter

Beekes Robert, A Grammar of Gatha-Avestan, Leiden: Brill, (1988)

Civilization of the Eastern Irānians in Ancient Times: With an Introduction on the Avesta Religion, Volume 1 (Google eBook), Wilhelm Geiger 1885, translated from German to English by Darab Dastur Peshotan Sanjana (pg. Iv.-Ivi.)



نمایی از بقایای احتمالی معبد نوبهار بلخ



نمایی دیگری از بقایای احتمالی معبد نوبهار بلخ ، عکاسی مؤلف سال ۲۰۱۱

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

قاموس کبير افغانستان

تاریخ		معرفی	اسم یا کلمه
نوع محتوا	معلومات مکملتر	نا بر مطالعات و شواهد تاریخی معبد نوبهار بلخ یکی از بزرگترین نیایشگاه های کهن در شمال افغانستان و حتی منطقه بوده و در مورد آن پرسش های زیادی موجود است. عده ای آنرا عبادتگاهی مربوط به آیین زردشتی خوانده اند و گروهی این نیایشگاه بزرگ را بنا بر اسناد دست داشته یک معبد بودایی دانسته اند.	معبد نوبهار
آبدات تاریخی	معبد نوبهار بلخ	 <p>نظر به یانداشتهای هوانتسنگ و افعه نگار و زائر چینی در مورد معبد نوا و بهار و نوبهار، دو برادر بلخی بنامهای که بوسو و بلهیکا از نخستین حواریون بودا بودند که وی هشت هفته بعد از رسیدن به روشنی و دریافت حقیقت، هشت تاز موی خود را به آنان هدیه داد. این دو برادر بلخی که در نیم قاره هند بغرض تجارت رفت و آمد داشتند، پس از حلف وفاداری به بودا هشت تاز موی او را به بلخ آوردند و بلهیکا برادر بزرگتر ستویه ای را برای بزرگداشت او در بلخ بنا نمود.</p> <p>باید در حوالی سال ۵۳۷ پیش از میلاد رخ داده باشد که با گفته (Sarvastivada) متن کهن سروسنی ودا (این واقعه بنا بر اسناد آیین بودایی هوانتسنگ مطابقت دارد و این نیایشگاه همانا معبد نوبهار بلخ است. با انکا به یاد داشتهای تاریخی و یافته های باستان شناسان بلخ کهن نخستین گهواره و پرورشگاه سیک هنر بودایی هلمستیک در منطقه بوده است.</p>	

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ